

تجلیل سفارت انگلیس از رضاخان

۲ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۰

هاوارد، معاون شرق سفارت انگلیس در فروردین ۱۳۰۲، ایران را به سوی انگلیس ترک کرد و در دی ماه همان سال به ایران بازگشت. سر پرسی لورن، وزیرمختار انگلیس در تهران، از این کارگزار کهنه کار و آشنا به امور ایران خواست که مشاهدات خود را از تغییرات صورت گرفته در این مدت روی کاغذ بیاورد. گزارش تهیه شده توسط هاوارد، روز ۵ دی ۱۳۰۲ به لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلیس ارسال شد.

هاوارد، معاون شرق سفارت انگلیس در فروردین ۱۳۰۲، ایران را به سوی انگلیس ترک کرد و در دی ماه همان سال به ایران بازگشت. سر پرسی لورن، وزیرمختار انگلیس در تهران، از این کارگزار کهنه کار و آشنا به امور ایران خواست که مشاهدات خود را از تغییرات صورت گرفته در این مدت روی کاغذ بیاورد. گزارش تهیه شده توسط هاوارد، روز ۵ دی ۱۳۰۲ به لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلیس ارسال شد. هاوارد در این گزارش میگوید که چگونه رضاخان توانست فضای ضدانگلیسی حاکم بر ایران را برطرف کند و از بدبینی های پدید آمده علیه انگلیسیها بکاهد. نظر به اهمیت این مشاهدات بخشی از آن نامه را می آوریم :

در آغاز باید بگویم که اوضاع در همه جنبه ها بهبود یافته است. به یاد می آورید که وقتی من در آوریل اینجا را ترک گفتم احساسات ضدانگلیسی که از زمان کودتای سیدضیاءالدین رو به رشد گذارده بود، در اوج بود. چند سالی بود که خصومت مشخصی نسبت به بریتانیای کبیر وجود داشت، اما هیچگاه به ابعاد همه جانبه ای که بعد از سیدضیاء به وجود آمد، نبود. در دو سال پس از آن رویداد، خصومت با انگلیسیها به نقطه اوج خود رسید. دولت در پی دولت، تلاشی برای رفع این خصومت صورت ندادند؛ برخی از آنها حتی آشکارا به آن دامن زدند؛ و مطبوعات مزدور و بی قید و بند آشکارا آن را تغذیه میکردند؛ و این عموماً به عنوان نشان های از میهن پرستی نمایندگان مجلس چهارم ایران تلقی شده و موجب سوءاستفاده از بریتانیای کبیر میگردد. پس از بازگشت، دیدم که بخش زیادی از این احساسات نادرست از میان رفته اند و من حتی به این فکر فرو رفتم که آیا این فضا واقعی است؟ اگر چنین است، دلیل آن چیست؟ فکر میکنم از میان رفتن این احساس، واقعی است. چند دلیل برای آن وجود دارد؛ مهمترین آنها مردی است که هیچیک از مزخرفات هموطنانش را تاب نمیآورد و مسئولیت سرنوشت ایران را به عهده گرفته است. یک حس مشترک دوستی و احترام میان این مرد و سفیر اعلیحضرت به وجود آمده و ایرانیان نیز این امر را به سرعت دریافته اند. بسیاری از هموطنان او ارادتمندانه سردار سپه را می ستایند، و آنهايي که او را نمی ستایند، از او هراسانند؛ و از این رو کلام او قانون روی زمین است. با این وجود باید به یاد داشت که هم اکنون مجلسی در تهران وجود ندارد، و گفتن این که سردار سپه تا کجا می تواند اراده خود را بر نمایندگان تحمیل کند، سخت است. البته من هنوز تا به این اندازه امیدوار نیستم. او در مواقع مختلف در برخورد با نمایندگان سرکش مجلس پیشین لیاقت و هوش بسیاری از خود نشان داده است. من گمان نمیکنم که او با مجلسی که تحت

نفوذ خودش دارد مشکل بیشتری داشته باشد. او امروز در موقعیتی بسیار استوارتر از یک سال پیش خود قرار دارد؛ او به ایران احساس امنیت بخشیده است؛ حس امنیتی که کمتر ایرانی زنده ای آن را تجربه کرده است. هر اقدام او تاکنون به موفقیت انجامیده است. هموطنانش به او افتخار میکنند. به نظر میرسد تنها آرزوی هر کدامشان موفقیت او در رسیدن به اهدافش است. افکار عمومی معنای چندانی در ایران ندارد، و آن چه به این معنا در اینجا وجود دارد معمولاً در دستان افراد اندکی است که آن را به سوی اهداف خود هدایت میکنند. حتی در آن زمان تنها یک اقلیت پر سر و صدا وجود داشت که اکثریت خاموش و مطیع را می هراساند. این اقلیت پر سر و صدا، زندانیان آزاد شده پس از گریختن سیدضیاء از کشور را، به شدت مورد بهره کشی قرار دادند. همه فکرمی کردند که کودتای سیدضیاء را انگلیسی ها طرح ریزی کرده بودند و زندانیان آزاد شده تصمیم گرفتند تا جماعتی پر سر و صدا و بیکارالدوله را به کار بگیرند تا علیه انگلیس فریاد استثمار سر دهند و به این شکل انتقام خود را از بریتانیای کبیر بگیرند. آنها امیدوار بودند تا به این وسیله خود را در جایگاه پیشین خود دوباره مستقر کنند و محبوبیتی را که به دنبالش بودند دوباره به دست آورند. اکثر آنها اکنون دیده اند که دستاوردهای بی حاصل بوده است و پولی که برای این تبلیغات خرج کرده اند بازگشت نداشته و امروز جیبشان خالی تر است، هر چند که عقلشان سر جایش آمده است. وقتی که سر کیسه ها محکم بسته شد، مطبوعات مزدور نتوانستند به کارشان ادامه دهند و امروز بیشتر از سه یا چهار روزنامه نیستند که به حیات رقت آور خود ادامه میدهند. اینها بخشی از دلایل تغییر احساس امروز است، اما دلیل دیگری نیز وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود، و آن اتخاذ موضع موقرانه دولت اعلیحضرت در طی این چند سال اخیر بوده است، محکم ایستادن در برابر باج خواهی و توجه جدی ای که صرفاً به امور خود مبذول داشت. موضعی که روسیه شوروی اتخاذ کرد تنها به تقویت وقار دولت اعلیحضرت انجامید.

منبع: هدایت الله بهبودی ، روزشمار تاریخ معاصر ایران ، ج ۳ ص

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۶۵۹/تجلیا-سفر-انگلیس-رضاخان>